

به دوستان ما سلام برساز...

اهمیت دیدار

جدایی و انزوای افسردگی روحی می آورد و آنچه روحیه ها را شاداب و زندگیها را با صفا می سازد «دیدار» است. چه دیدارهای دوستانه، چه خویشاوندانه، به ویژه اگر موضوع این دیدارها سخنان دلنشین، خاطرات شیرین و همفکری در مسیر گشایش مشکلات باشد. این نوع رفت و آمدها با عنوان «زیارت» در توصیه های دینی آمده است. گاهی رفت و آمدها به جای آنکه بهره تربیتی یا پاداش اخروی داشته باشد، محصولی جز افزایش گناه یا هدر رفتن فرصتها ندارد. هوشیاران می کوشند از همه دیدارها سود ببرند و از تباهی فرصت، جلوگیری کنند.

با «حصار شکنی»، باید خود و زندگی خود را از انزوا در آورد و روحیه جمعی و تعاون و همزیستی را تقویت کرد. آنان که پای خود و خانواده خود را از رفت و آمد با افراد با ایمان و خانواده های شریف می برند، راه خیر را به روی خود می بندند.

امام صادق علیه السلام به اصحاب خویش سفارش می فرمود:

«تزاویروا و تلاقوا و تناکروا امرنا و احوه»

به دیدار و ملاقات یکدیگر بروید و «امر» ما را یاد کنید و به یاد هم آرید و آن را زنده نگه دارید. این حدیث، محتوای سازنده و تربیتی و جهت دار و هدفدار بودن دیدارها را تبیین می کند.

بهره های دیدار

مناسب است در سایه ملاقاتها و دید و بازدیدها، خانواده ها و افراد از دردها و مشکلات یکدیگر آگاه شوند و در حد توان، در رفع آنها بکوشند. مشورت و همدلی و همدردی، گوشه ای از این بهره هاست.

«خیمه» می گویند خدمت حضرت امام باقر علیه السلام رسیدم تا با آن حضرت خدا حافظی کنم. امام فرمود:

«ای خیمه! هر کدام از دوستان و هواداران ما را دیدی، سلام ما را به آنان برسان و آنان را به تقوای الهی توصیه کن و سفارش کن که توانگرانشان به فقیران سر بزنند، توانمندان به ناتوانان سر کسی کنند، زندگان در تشیع جنازه مردگان شرکت کنند، در خانه های هم یکدیگر را دیدار کنند. این گونه دیدارها سبب احیای امر ما (ولایت و رهبری اهل بیت) می گردد.

اگر دیدارها، چنین برکتیهای نداشته باشد، جز اتلاف وقت و سرمایه چیزی نیست! اما اگر بحثهای علمی و اجتماعی، به روشنگری افکار کمک کند، نقل خاطرات و سرگذشتها،

برای دیگران عبرت آموز و راهگشا باشد بازگویی حالات دیگران، حس همدردی و کمک رسانی را تقویت کند. اینجاست که ملاقات، به بهره وری رسیده است.

دیدار حضوری

برخی به هر دلیلی، عیادت و زیارت و احوالپرسی شان «غیر حضوری» است می کوشند تا از طریق این و آن، یا از راه تلفن و نامه احوالپرسی کنند و تماس داشته باشند. گرچه از این راهگذر، «کسب اطلاع» می توان کرد ولی دیدار رویاروی و نشست و گفتگوی چهره به چهره، خلوت و برکتی دیگر دارد. در احادیث، عنوان «تزاویر» و «ملاقات» مطرح است. دیدن و ملاقات کردن حضوری، البته احوالپرسی تلفنی هم خیلی خوب است و نوعی صلّه رحم محسوب می شود ولی جای «دیدار حضوری» را پر نمی کند.

شما خودتان از دیدار چهره بردار یا فرزند یا دوست بیشتر

وقتی کسی از مسافرت بر می گردد، یا خداوند به کسی فرزندی عنایت می کند، یا ازواجی صورت می گیرد، یا خانه جدیدی خریداری می شود، یا خدای ناکرده بیماری و کسالتی برای کسی پیش می آید اینها همه بهانه «تجدید عهد» و دیدار حضوری است. حتی اگر او هم مهمانی ندهد در صورت فراهم بودن شرایط، رفتن به دیدار و گرفتن خوشامدنی، تهنیتی، تبریکی، تسلیتی، چشم روشنی ای یا - مناسب است و این دیدارها مایه تحکیم دوستیهاست.

پیامبر رحمت فرمود:

«لز یاره تنبت الموده» دیدار، دوستی آور است.

چه خوب که در دیدارها، قصد قربت کنید و اینها را به حساب خدا بگذارید. اگر معامله و سونا هم می کنید، با خدا سونا کنید تا اجر ببرید. نگویید من چند بار رفته ام، آنها نیامده اند. نوبتی هم که باشد، حالا نوبت آنهاست.

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت است:

«هر مؤمنی که به قصد دیدار مؤمن دیگر بیرون رود و او راه همراه با معرفت به حقوقش زیارت کند به پاداش هر گامش در این راه، خداوند حسنه ای برای او می نویسد و

سینه ای از او محو می کند و درجه ای می افزاید. چون در بزند درهای آسمان به رویش باز می شود و چون با یکدیگر ملاقات و مصافحه و معانقه کنند، خدای متعال رو به فرشتگان کرده و مباحثات می کند که:

دو بنده ام را بنگرید! به خاطر من با هم دوستی و دیدار می کنند. بر من است که از این پس از عذاب، مددشان دارم و چون برگردد، فرشتگان بدرقه اش می کنند و اگر تا شب بعد، از دنیا برود، از حساب، معاف می شود.»

وقتی دیدارها این همه فنیلت و ثواب و آثار دنیوی و اخروی دارد، چه محروم اند آنان که به بهانه های مختلف یا لجاجتها و اندیشه های کودکانه و حقیرانه، با هم قهر یا ترک رفت و آمد می کنند و درهای برکت را به روی خویش می بندند!



خوشحال می شوید - اگر از سفر آیند - یا از شنیدن صدایشان از آن سوی سیمهای مخابرات؟ تازه، این خودش نشان محبت بیشتر و صمیمیت و یکدلی در رابطه هاست. اگر هنگام درگذشت یکی از اقوام، کسی از دوستان و آشنایان تلگراف تسلیت بفرستد، یا آنکه از شهر و محله خود پیش شما آمده، از نزدیک در غمتان شریک شود و در مراسمات شرکت کند، کدام یک را صمیمی تر می یابید؟ رفت و آمد خودتان یا دیگران نیز چنین است.

حتما ماجرای «لويس قرنی» را شنیده اید! از مادر اجازه گرفت و از «يمن» به «مدینه» آمد، تا محبوبش، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم را یک بار ببیند و برگردد.